



## پیشینه هزاران ساله نام دریای پارس از آغاز تا امروز

گردآوری: یاسمن غلامی

### نام خلیج پارس پیش از اسلام

از باستان تا امروز در همه ی آثار تاریخی، جغرافیایی و دایره المعارف های بزرگ جهان آب های جنوب ایران از پیوستن رود رود تا تنگه ی هرموز به نام خلیج پارس<sup>۱</sup> شناخته شده است. تاریخ و جغرافیا نگاران و باستان شناسان تا کنون از این دریا به نام های: خلیج پارس / خلیج العجم و دریای پارس / بحر پارس یاد کرده اند.

در اوستا، در چندین جا از خلیج پارس به نام «دریای پوئی تیک» یا «پوئی دیگ» یا «پودیگ» و از دریای مکران (دریای عمان) به نام «سدویس» و از اقیانوس هند به نام «فراخرت» یاد شده است. در شماره ۱۸ فرگرد ۵، بخش وندیداد اوستا، آمده است:

«من اهوره مزدا، آب ها را بر مدارها و دخمه ها و بازمانده های چرکین و استخوان ها روان می کنم.  
آن گاه من اهوره مزدا، آب ها را پنهانی باز می گردانم.  
من اهوره مزدا، آب ها را به دریای پوئی تیک (خلیج پارس) باز میگردانم.»<sup>۲</sup>

---

۱. گفتاری در ۴۲ صفحه تحت عنوان «نام خلیج پارس»، که حاصل سال ها بررسی و پژوهش من (ایرج افشار سیستانی) بود

به کنگره ی خلیج فارس در فرهنگ و ادب پارسی، ۳۰ اردیبهشت - ۲ خرداد ۱۳۷۵ هـ. ش ارایه شد، اما...

۲. دوستخواه، جلیل. اوستا، کهن ترین سروده های ایرانیان، جلد دوم، ص ۷۰۷

در بندهشن ۱۰/۱۲ نیز آمده است، که آب های کثیف و ناسالم به این دریا ریخته و در آن جا متوقف می شوند تا از آلودگی پاک شوند. آن گاه جریان مداوم و تلاطم دریا بوسیله باد، آب های آلوده و نجس را پاک و تصفیه کرده و از آنجا به دریای وئوروکشه یا فراخکرت/ اقیانوس هند، هدایت می کند و این دو دریا از زیر به هم ارتباط دارند.<sup>۱</sup>

بنا به نوشتار بندهشن و وندیداد اوستا، در آغاز هزاره ۷ پ.م. پس از تازش اهریمن بر زمین و آسمان، ایزد تیشتر با جام ابر از آب هایی که در آغاز آفریده شده بود، آب برداشت، باد آب را به آسمان برد و بر زمین ببارانید. در پی این باران بزرگ، زمین غمناک شد و به هفت پاره بگسست. هر پاره را اقلیمی خوانند که در پهلوی کشور گفته شود، پاره ای که به اندازه ی همه ی شش پاره ی دیگر بود، در میان و شش پاره ی دیگر پیرامون آن قرار گرفتند. پاره ی میانه « خونیرس» است، که در پارسی خونیرس و خنیره، آمده است.

چون ایزد تیشتر بر زمین باران آورد، در سوی نیم روز /جنوب، دریای فراخکرد/فراخکرت را در جنوب کوه البرز پدید آورد، که یک سوم این زمین را در بر دارد.

شش دریای دیگر نیز بر زمین پدید آمد: در جنوب دریای پونیدگ/پوئی تیک (خلیج پارس) قرار گرفت. میان این دریا و دریای فراخکرد (اقیانوس هند) دریای سدویس(دریای مکران) قرار گرفت و پونیدگ از این راه به دریای فراخکرد راه دارد.

دریای دیگر، کم رود (دریای مازندران) است، که در شمال قرار دارد. دریای دیگر سیاه بن (دریای سیاه) است در سوی روم (اسیای صغیر). دو شاخه فراخکرت، خلیج بنگال در خاور و دریای سرخ (خلیج عربی) در باختر آن است.<sup>۲</sup>

۱. رضی، هاشم. وندیداد، جلد دوم، ص ۵۹۶

۲. بهار، مهرداد. پژوهشی در اساطیر ایران، پاره ی نخست و دوم، ص ۱۴۰-۱۴۳



سند دیگری که از خلیج پارس یاد شده و در حال حاضر در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود، نقشی است که در زمان یکی از پادشاهان بابل بر لوحه ای سفالین ترسیم گردیده است. این لوحه ، جهان آن روزگار را نشان می‌دهد. شرح پیرامون و پشت نقشه می‌رساند که تمامی دنیای شناخته شده آن دوران، از بابل و آشور و پیرامون آنها نمیگذرد. این سرزمین ها به شکل دو مربع مستطیل در درون دایره ای ترسیم شده اند و رود فرات نیز از بالا تا پائین جریان دارد و توسط خلیج پارس فراگرفته شده اند. دیرینگی این سند به ۶ هزار سال پیش تخمین زده شده است و در آن، علاوه بر بابل و آشور، کوه های آذربایجان و و کردستان در شمال، و اهواز در جنوب قرار دارد. در آب های پیرامون این نواحی ، جزیره هایی به شکل مثلث ترسیم گردیده و فاصله هایی بر آن ها نوشته شده اند.<sup>۱</sup>

از خلیج پارس نیز در یکی از کتیبه های آشوری یاد شده و در آن خلیج پارس به نام رود تلخ ، که به آشوری « نامرتو»<sup>۲</sup> می باشد، نامیده شده است.<sup>۳</sup>

اناکسیماندر ملطی (۶۱۰-۵۴۶ پ.م) در نقشه ی جهان خود از خلیج پارس نام برده است. این اثر در کتاب *Kleinere Schriften* ، اثر « ی.لول» لایبزیگ ، ۱۸۳۶ م، لوحه ی ۱ منتشر شده است.

هکاتئوس ملطی (۵۴۹-۴۷۳ پ.م) از سرشناس ترین جغرافیادانان روزگار خود، نقشه ای از جهان ترسیم کرده است که در آب های اقیانوس ، پیرامون خشکی ها را فراگرفته اند ، در این نقشه ، خلیج پارس و خلیج عربی (دریای سرخ) دیده می شوند.

بر پایه ی نوشته ی نویسندگان یونانی ، چون کنزیاس (۴۴۵-۳۸۰) ، گزنفون (۴۳۰-۳۵۲ پ.م) ، یونانیان به این دریا نام « پرس» و به سرزمین ایران « پارسه» « پرسای» « پرس پولیس» یعنی شهر یا کشور پارسیان داده اند.<sup>۴</sup>

---

۱. وزارت امور خارجه، نقشه های جغرافیایی و اسناد تاریخی خلیج فارس، ص ت.

## 2.narmarratu

۳. رایین، اسماعیل. دریانوردی ایرانیان، جلد اول، ص ۵۴-۵۵

۴. شاملو، محسن. خلیج فارس، ص ۱۰-۱۱

بنابراین میتوان گفت از همان زمان جایگزینی پارس ها در جنوب ایران ، آبهای جنوب کشور، که میدان تجارت و در هنگام ناچاری میدان نبردها بوده، نام دریای پارس و خلیج پارس داشته است.

در سنگ نبشته ی داریوش بزرگ هخامنشی تل المسخوته مصر، از ۵۱۸ تا ۵۱۵ پ.م. در عبارت « درایه تیه هچاپارسایی تی»<sup>۱</sup> یعنی دریایی که از پارس می رود یا سر میگیرد، نام دریای پارس آمده است.<sup>۲</sup>

از دوره چیرگی هخامنشیان بر مصر آثار بسیاری چون سنگ نبشته ، لوح ، مجسمه ، ظرف های گلی و سفالی ، مهر و نوشته های روی پاپیروس به خط مصری و هیروگلیف و میخی<sup>۲</sup> به جای مانده است. شماری از این سنگ نبشته ها فرمان داریوش بزرگ در مورد کندن کانال نیل<sup>۴</sup> است.

در مورد پیشینه کندن کانالی که دریای سرخ را به رود نیل می پیوندد، نگارندگان پیشین ، نخستین گام را به سنی اول (۱۳۱۸-۱۲۹۸ پ.م.) فرعون مصر نسبت داده اند که پس از وی رامسس دوم (۱۲۹۴-۱۲۳۲ پ.م.) و سپس نخاوی دوم (۶۰۹-۵۹۴ پ.م) آن را تجدید نموده اند.<sup>۵</sup> پس از این تاریخ، یعنی در حدود ۱۰۰ سال بعد ، که داریوش بزرگ (۵۲۱-۴۸۶ پ.م) اقدام به تجدید کانال یاد شده کرد و هرودوت نیز در کتاب خود به آن اشاره نموده است.

## 1. draya tya hača parsa aity

۲. شارب، رُلف نارمن. فرمان های شاهنشاهی هخامنشی، ص ۱۰۵

۳. میخی پارسی، میخی عیلامی و میخی بابلی

۴. (مسیر کانالی که توسط داریوش بزرگ کنده شده یا مسیر کانالی که توسط کنت دولسپس cont de lesseps کنده شد (۱۸۶۹ م) و در حال حاضر به نام کانال سوئز سرشناس و مورد استفاده است ، نبایستی یکی دانست زیرا با آنکه بخشی از این دو کانال بر هم منطبق است ، در بخش دیگر به کلی متفاوتند، بدین معنی که چون از کرانه ی دریای سرخ رو به شمال حرکت کنیم مسیر دو کانال تا دریاچه ی تسماح یکی است ولی از دریاچه تسماح به بعد مسیر کانال داریوش بزرگ به سوی باختر پیچیده و طول شعبه یی از رودخانه نیل تا شهر بوباستی کشیده میشود و کمی بالاتر از بوباستی به شعبه اصلی رود نیل می پیوندد و مسیر ترعه ی لسپس، از دریاچه تسماح به بعد رو به شمال تا پرت سعید در کرانه ی مدیترانه کشیده می شود.)

۵. سامی، علی. تمدن هخامنشی، جلد اول، ص ۱۸۱

داریوش بزرگ پس از پایان کار کانال ، دستور داد ۵ کتیبه که متن های آن با یکدیگر تفاوت هایی داشته است، در ۴ محل در درازنای مسیر کانال برپا کردند و بر روی آنها به خط مصری، پارسی، عیلامی و بابلی مطالبی درباره کندن کانال نوشته اند:

سنگ نبشته های کانال نیل<sup>۱</sup> به ترتیب عبارتند از:

(۲۱) سنگ نبشته های تل المسخوته (دو سنگ نبشته)

(۳) سنگ نبشته ی سراپه اوم<sup>۲</sup>

(۴) سنگ نبشته قبره یا شالوف

(۵) سنگ نبشته سوئز.

مضمون این کتیبه ها با اختلافاتی تقریباً شبیه هم هستند و در آن ها از زمان داریوش بزرگ برای کندن کانال و روانه نمودن کشتی ها ، حکایت شده است.

گفتار سنگ نبشته های هیروگلیفی کانال نیل هم تقریباً یکسان بوده است ، جز اینکه در برخی موارد اختلاف هایی جزئی در آنها دیده می شود و افتادگی هایی در بعضی از متن ها وجود دارد ، که رشته ی گفتار را گسیخته نموده است و چنان چه خواسته شود متنی کامل تر در دست باشد، بایستی بخش نخست سنگ نبشته تل المسخوته و بخش آخر کتیبه ی شالوف را ترکیب نمایند.

## 1. serapēum

۲. در جهت مسیر کانال به سوی دریای سرخ

اما درباره ی متن های میخی سنگ نبشته های کانال نیل، که آنها نیز تفاوت هایی با یکدیگر داشته اند بایستی گفت مضمون این کتیبه ها به تفصیل جزئیات متن های هیروگلیفی نیست. بلکه چون بر روی یک سطح کتیبه ، به سه زبان و خط (پارسی، عیلامی ، بابلی) نوشته اند، ناچار نوشتارها به اختصار برگزیده شده و متن کامل پارسی آنها در کتاب فرمان های شاهنشاهی هخامنشی نوشته رلف نارمن شارپ ، آمده است.<sup>۱</sup>

هرودوت ، دریای سرخ را به نام خلیج عرب معرفی کرده که امکان همانندی آن با خلیج فارس وجود ندارد. وی اقیانوسی را که در جنوب باختری آسیا افتاده است ، « اری تروس »<sup>۲</sup> یا « اری تره »<sup>۳</sup> یعنی دریای سرخ خوانده و این نام گذاری به مناسبت سرخی رنگ خاک کرانه های آن است.

از آنجای که هرودوت خلیج فارس را درست نمیشناخته، از آن نامی نبرده و به همان نام « اری تره » که شامل اقیانوس هند، دریای مکران (دریای عمان) و خلیج فارس است بسنده کرده است.<sup>۴</sup>

تاریخ نگارانی چون « شوف » و « آگاتارشید » بر این باور بودند که دریای اری تره یا دریای پارس، در روزگار امپراتوری ماد، از نام « ارتیتراس »<sup>۵</sup> یا « اریتره » سردار پارسی ، که بر تمامی خلیج فارس و دریای مکران داشت ، گرفته شده است زیرا وی همه ی جزایر فراموش شده و غیر قابل زندگی خلیج فارس را آباد کرد و با جمعیتی بسیار مسکون ساخت و به خاطر این کوشش هایش این دریا را از آن زمان ، به نام « اریتره » خوانده اند.<sup>۶</sup>

گزنون (۴۳۰-۳۵۲ پ.م) ، تاریخ نگار یونانی در آثار خود، از آب های جنوب ایران به نام خلیج فارس یا خلیج پارسیان یاد کرده است.

۱. قائم مقامی، جهانگیر. سنگ نبشته های هخامنشی در ترعه ی نیل، مجله ی بررسی های تاریخی ، سال ۶، شماره مخصوص ، مهر ۱۳۵۰، ص ۳۶۳-۳۷۶

## 2. erythros

## 3. erithree

۴. مشکور ، محمد جواد. نام خلیج فارس در طول تاریخ، ص ۷  
۵. از توانمندان و زاده پارس و فرزند میوزائوس (میوزه) بوده است.  
۶. رایین، همان کتاب، ص ۲۳۳

نثارخوس ، دریاسالار مقدونی که در سال ۳۲۶ پ.م به دستور اسکندر مقدونی ، دریای پارس را پیمود و تا دهانه ی رود سند پیش رفت ، در سفرنامه ی خود می نگارد:

«اسکندر خیال داشت کشتی های زیاد ترتیب داده و خود از دهانه ی سند تا دریای هند و پارس سیر نماید»  
در جای دیگر نوشته است :

«پس از دویست استاد<sup>۱</sup> راه به ریگ و از آن جا به دیلم و دهنه ی رودخانه ی اندیان آمدم، رودخانه ی اندیان سرحد خوزستان و فارس و پس از سند بزرگترین رودخانه است ، هیچ یک از سواحلی که پیمودم مانند دریای پارس آباد و معمور نبود.»<sup>۲</sup>

دیسنارکوس ( ۲۸۵-۳۲۵ پ.م ) در نقشه ی جهان نمای خود، خلیج پارس و خلیج عربی (دریای سرخ) را به روشنی نشان داده است.

اراتوستن سیرنایی ( حدود ۲۷۶-۱۹۴ پ.م ) جغرافیانگار بزرگ، که زمانی ریاست کتابخانه ی اسکندریه را بر عهده داشت، نظریه های مهمی درباره ی شکل و جایگاه زمین ارائه کرده است و در همه ی آثار او به روشنی از نام های خلیج فارس و خلیج عرب یا دریای سرخ ، یاد شده است.

هیپارکوس، دانشمند و جغرافیانگار سده ی ۲ پ.م ، که در رودس، دومین کانون علمی جهان باستان ، می زیست و یکی از درخشان ترین نقشه نگاران زمان خود بود ، در آثار و نقشه ی جهان وی هم خلیج پارس و خلیج عربی (دریای سرخ) آشکارا مشخص شده اند.<sup>۳</sup>

---

۱. استاد، واحد اندازه گیری طول یونان باستان و برابر ۱۶۴/۵ متر است.

۲. شاملو، همان کتاب، ص ۱۴-۱۵

۳. وزارت امور خارجه، همان کتاب ، ص ۳

فلاویوس آریانوس ، تاریخ نگار یونانی ، که در سده ۲ پ.م. میزیست ، در کتاب آنازبیس یا تاریخ سفرهای جنگی اسکندر، نام « پرسیکون کای تاس»<sup>۱</sup> را که ترجمه ی درست خلیج فارس است ، بر این دریا نهاده است.<sup>۲</sup>

پوزیدونیوس ( ۱۳۵-۱۵ پ.م ) فیلسوف و جغرافیانگار سوری الاصل، در کتاب اوسنانوس خود، آگاهی های بسیاری درباره ی سرزمین ها و دریاها ی گوناگون ارائه نموده و از خلیج پارس به روشنی یاد کرده است.  
کراتس مالوسی، دانشمند سده ۲ پ.م. که معتقد به کروی بودن زمین بود، در آثار خویش، جهان را تقسیم شده به چهار بخش توسط یک اقیانوس استوایی و یک اقیانوس نصف النهاری نشان داده، به طوری که در بخش شمال خاوری نقشه، مناطقی از آسیا و اروپا ، و نیز خلیج پارس و دریای سرخ ، به روشنی منعکس شده اند.

استرابون (۶۴/۶۳ پ.م. پس از ۲۳ م) در جوانی تحصیلات خود را در مدارس روم و اسکندریه به انجام رساند ، و سپس به سفرهای دور و دراز پرداخت. علاوه بر تاریخی در ۴۳ جلد ، درباره رخدادهای بین سقوط قرطاجنه تا مرگ جولوس سزار ، وی اثری در ۶۷ جلد درباره ی جغرافیای جهان روزگار خود، تالیف کرد و در کتاب « از ایندی تا ایبری» یا از هند تا اسپانیا ، دریای جنوب ایران را خلیج پارس نامیده و محل زندگی عربها را منطقه ای بین خلیج عرب ، که همان بحر احمر یا دریای سرخ است و خلیج پارس نوشته است.

استرابون نقشه جهان نمایی نیز ترسیم نموده ، که خشکی های آن به صورت جزیره ی پهناوری محصور در میان اقیانوسی بی پایان ، که دریای مازندران و خلیج پارس از آن جدا گردیده اند، نشان داده شده اند.<sup>۲</sup>

دانشمندان دیگری چون پلیبیوس، آرنستین برس نیز در آثار خود، هر جا که به مناسبتی از ایران نام میبرند، خلیج پارس را با نام دریای پارس خوانده اند.

بنابراین تاریخ نگاران و دانشمندان یونانی، رومی و ... پیش از میلاد ، در شرح سرگذشت ها، خلیج پارس را با همین نام می خواندند.

## 1. persikon kaitas

۲. رایین، همان کتاب ، ص ۵۵

۳. وزارت امور خارجه، همان کتاب ،ص ۳

پس از میلاد مسیح هم تاریخ و جغرافیانگاران یونانی ، رومی ، یهودی و مصری با توجه به نوشته های به جا مانده از نویسندگان پیش از میلاد ، در آثار خود از دریای جنوب ایران، به نام دریای پارس یا خلیج پارس نام برده اند.<sup>۱</sup> پومپونیوس ملا(فعال در ۴۳ م) که نویسنده ی رومی رساله ی جغرافیای کهنی به زبان لاتین کلاسیک است، در همه ی آثار و بازسازی نقشه هایش خلیج پارس به روشنی در جای خود به چشم می خورد. کلودیوس پتوله یا بطلمیوس، منجم، جغرافیانگار سرشناس حوزه ی علمی اسکندریه در سده ۲ م. نخستین کسی است ، که اطلسی از دنیای پیشین در برگیرنده ی ۳۶ نقشه از مناطق گوناگون جهان همراه با یک نقشه ی جهان تالیف کرده است.

در این اطلس، نقشه های ایران، بین النهرین و شبه جزیره ی عربستان دیده می شود و بدون هیچ گونه ابهامی آب های جنوب ایران را « سینوس پرسیکوس» نامیده ، که درست به معنی خلیج پارس است. این اصطلاح بعد ها به «سینوس پرسیکوس» تغییر یافته و زبان زد شده است. بعلاوه در آثار جغرافیایی لاتین، خلیج پارس را «ماره پرسیکوم» یعنی دریای پارس نوشته اند. کوین توس کورسیوس روفوس، تاریخ نگار رومی، خلیج پارس را « اکوارم پرسیکو» نامیده ، که به معنی آبیگر پارس است.

۱. افشار(سیستانی) ، ایرج. نام دریای پارس و دریای مازندران و بندر ها و جزیره های ایرانی، ص ۳۴

ازب اوسویوس<sup>۱</sup> (۲۶۳-۳۴۰ م) که به نام پدر عیسویت خوانده می شود، با توجه به کوروش نامه ی گزنفون، به تاریخ دوران های گذشته ی ایران، اشاره کرده و خلیج پارس را دریای پارس نامیده است.

اگاتانژ (۲۲۶-۳۳۰ م) در تاریخی که به زبان ارمنی نگاشته است، دریای جنوبی ایران را دریای پارس خوانده است.<sup>۲</sup> ترجمه واژه سینوس پرسیکوس، اندک اندک از زبان لاتینی در همه ی زبانهای زنده ی دنیا راه یافته و همه ی کشورها و تمامی تاریخ و جغرافیانگاران بزرگ جهان، خلیج پارس را بدین نام می شناسند، بدین شرح:<sup>۳</sup>

|                     |           |
|---------------------|-----------|
| Parsitstots         | ارمنی     |
| Persian Gulf        | انگلیسی   |
| Persidski Zaliv     | روسی      |
| Golfo Parsico       | اسپانیایی |
| Persic Golfeul      | رومانی    |
| Persisk Golf        | دانمارکی  |
| Perski Zaliv        | چک        |
| Porsiski Zaliv      | یوگسلاوی  |
| Golfe Persique      | فرانسه    |
| Persischer Golf     | آلمانی    |
| Golfo Persico       | ایتالیایی |
| Perzische Golf      | هلندی     |
| Baher Fars          | هندی      |
| Persiste Habbugt    | نروژی     |
| Persiska Vikem      | سوئدی     |
| Perza Obol          | مجاری     |
| Porucha Wan         | ژاپنی     |
| Alkhalij Al-alfarsi | عربی      |
| Persikon Kaitas     | لاتین     |

## 1. Eusebe Evsevius

۲. افشار (سیستانی)، همان کتاب، ص ۳۴

۳. رائین، همان کتاب، ص ۵۹



## نام خلیج پارس پس از اسلام

### ۱- دوره اسلامی

در آثار تاریخی و جغرافیایی دوران اسلامی، هر جا به مناسبتی نامی از این دریا به میان آمده، الخلیج الفارسی، خلیج عربی و دریای فارس، نوشته شده است.

نخستین تاریخ نگار اسلامی، که از دریای پارس نام برده است، ابوالقاسم عبیدالله ابن عبدالله ابن احمد ابن خرداد به (درگذشته ۳۰۰ ه.ق)<sup>۱</sup> است. وی در کتاب المسالک و الممالک (۲۵۰ ه.ق)، نوشته است:

«دریای فارس که دریای بزرگی است، به هنگام طلوع ماه (شب های مهتابی) دارای جزر و مد نمی باشد، مگر دو بار در سال»<sup>۲</sup>

قدامة بن جعفر، نویسنده کتاب الخراج (۲۶۶ ه.ق)، آبهای جنوب ایران را «دریای فارس» نامیده و نوشته است: «رود دجله از میان شهر بغداد عبور میکند، سپس از واسط می گذرد و به بطایح سرازیر میشود... پس از خروج از بطایح، به دو شعبه تقسیم می شود، یک شعبه ی آن به بصره می گذرد و شعبه ی دیگر از ناحیه ی مذار عبور می کند. سپس هر دو جمع شده به دریای فارس می ریزد»<sup>۳</sup>

۱. بعضی از نویسندگان، تولدش را ۲۰۵ ه.ق، و مرگش را ۲۷۲ و ۳۰۰ ه.ق دانسته اند.

۲. ابن خردادبه. المسالک و الممالک، ص ۵۳

۳. قدامة بن جعفر. کتاب الخراج، ص ۱۱۸

احمد ابن ابی یعقوب/ ابن واضح یعقوبی، از تاریخ نگاران دوره عباسی دوم (۲۳۲-۳۳۴ ه.ق)، که آثار گران بهایی از خود به جای نهاده است، در کتاب یعقوبی (۲۷۸ ه.ق) از دریای پارس نیز یاد کرده، می نگارد:

« اول دریای پارس است، که بایستی از سیراف در کشتی نشست و آخرش راس جُمُحُمَه (در میان عمان و عدن) است، این دریا کم وسعت است و جاهایی برای شکار صدف دارد»<sup>۱</sup>

ابوبکر احمد ابن محمد ابن اسحاق ، سرشناس به ابن فقیه، در کتاب ترجمه ی مختصر البلدان (۲۹۰ ه.ق) ضمن اینکه از دریای پارس یاد کرده می نویسد:

« و اعلم أن بحر فارس و الهند هما بحر واحد لاتصال احد هما بالآخره.»  
یعنی: بدام که دریای پارس و هند از برای پیوستگی به یکدیگر هر دو یک دریا هستند.<sup>۲</sup>

این فقیه منظور از دو دریایی را، که در آیه های شریفه ی ۱۹ و ۲۰ ، سوره مبارکه الرحمن قرآن مجید نوشته شده است، دریای پارس و دریای روم ، معرفی میکند:

« قال الله عزوجل مرج البحرين يلتقيان، بروی عن الحسن قال بحر فارس و الروم.»  
یعنی: خداوند بزرگ و عزیز می فرماید دو دریا روان کرده است تا به هم برسند، از حسن روایت می شود، که گفته است مقصود دریای پارس و روم است.

---

۱. احمد بن یعقوب . تاریخ یعقوبی، جلد اول ، ص ۲۲۴

۲. مشکورف محمد جواد. نام خلیج فارس در طول تاریخ ، ص ۹

و این نظرها بعدها توسط شهاب الدین احمد ابن عبدالوهاب النویری نیز مورد تائید و تاکید قرار گرفته است:

«یتفرع من الحرالمحیط خلیجان: احد هما من جهة المغرب و یسمى الرومی و الاخر من جهة المشرق و یسمى البحر الصینی و الهندی و الفارسی و الیمنی و الحبشی به حسب ما یمر علیه من البلاد.  
و هما المردان به قوله تعالی مرج البحرين يلتقيان بینهما برزخ لا یبغیان.»

یعنی: از دریای کناری (اقیانوس) دو خلیج شاخه شاخه گردد یکی در سوی باختر که دریای روم نام دارد و دیگر در سوی خاور به دریای چین، هندی،فارسی، یمنی و حبشی وارد می شود.  
و از این دو، مراد گفتار خداوند بزرگ است که : دو دریا را روانه کرد تا به هم نزدیکی یابند (برسند) و میانشان حایلی<sup>۱</sup> است تا به یکدیگر زیادتى نکنند.<sup>۲</sup>

به توجیه و تفسیر الهی قمشه ای : مرج البحرين يلتقيان [ اوست که دو دریای (آب شور و گوارا) را به هم درآمیخت ] ،  
بینهما برزخ لا بیغیان [ و میان آن دو دریا (ای رسول) برزخ و فاصله ای است، که به حدود یکدیگر تجاوز نمی کنند]

ابوعلی احمد بن عمر بن رسته ی اصفهانی ، سرشناس به ابن رسته ، در کتاب الاعلاق النفیسة ( ۲۹۰ هـ. ق) خود، از  
خلیج فارس و خلیج عربی (دریای احمر) یاد کرده ، می نویسد:

« دریای هند ، در سرزمین حبش دارای خلیجی است که از ناحیه ی بربر می گذرد و به همین جهت به خلیج بربری  
معروف است... و خلیج دیگری در جانب ابله از آن جدا می شود که به نام دریای احمر است و باز از این دریا خلیج  
دیگری به طرف ناحیه ی پارس جدا می شود که به خلیج پارس مرسوم است.»<sup>۲</sup>

سهراب جغرافیا نگار ایرانی، که در سده ۳ هـ. ق، میزیست، در کتاب عجائب الاقالیم السبعة الی نهاية العماره ، می  
نویسد:

« بحر فارس و هو البحر الجنوبي الكبير »

یعنی: دریای پارس همان دریای بزرگ جنوب است.<sup>۴</sup>

---

۱. گویا منظور از این حایل شبه جزیره سینا است ، که دو دریای مدیترانه و بحر احمر(دریای سرخ/ خلیج  
عربی) را از یکدیگر جدا می سازد، چنان که بحر احمر از نظر دانشمندان پیشین، بخشی از دریای پارس به  
شمار می رفت.

۲. مجتهد زاده، پیروز. جغرافیای تاریخی خلیج فارس، ص ۲۱

۳. ابن رسته.الاعلاق النفیسة، ص ۹۵

۴. مجتهد زاده ، همان کتاب ، ص ۲۲

ابوالحسن علی بن حسین مسعودی ، نویسنده کتاب مروج الذهب و معادن الجواهر ، جلد اول ( ۳۳۲ هـ.ق) ، از آب های  
جنوب ایران به نام خلیج پارس و دریای پارس یاد کرده می نویسد:

« از دریای زنگ خلیج دیگری منشعب می شود که دریای پارس است و به دیار ابله و خشبات و عبادان می رسد و  
عرض آن در وسط پانصد میل است»<sup>۱</sup>  
در جای دیگری می نگارد:

« در این دریا جزایر بسیار هست چون جزیره ی خارگ... این دریا همان خلیج فارس است و به نام دریای فارس  
معروف است ، که سواحل آن را بحرین و فارس و کرمان و عمان تا رأس الجُمُحَه بر شمردیم. میان خلیج فارس و  
خلیج قُلُوم (خلیج عربی / دریای سرخ) ابله و حجاز و یمن فاصله است و فاصله دو خلیج (خلیج پارس و خلیج عربی)  
یک هزار و پانصد میل است...»<sup>۲</sup>

ابواسحاق ابراهیم بن محمد استخری، در کتاب مسالک و ممالک (۳۴۰ هـ. ق) از خلیج پارس به نام دریای پارس یاد کرده، می‌گوید:

« و در خوزستان دریا نیست، مگر اندک مایه از دریای پارس، که از ماهی رویان (مهروبان) تا نزدیک سلیمانان برابر عبادان (آبادان) باشد.»<sup>۲</sup>

ناخدا بزرگ شهریار رامهرمزی، در کتاب عجایب هند (۳۴۲ هـ. ق) از دریای جنوب ایران به نام دریای پارس یاد کرده می‌نویسد:

« دیگر از عجایب دریای فارس این است که گاهی در شب هنگامی که امواج دریا مضطرب شده و به هم می‌خورند و از تصادم با هم متلاشی می‌گردند، همچون شعله‌های آتش به نظر می‌آیند به قسمی که مسافری دریا گمان می‌کنند در دریای آتش سیر می‌نمایند.»<sup>۴</sup>

۱. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین. مروج الذهب و معادن الجواهر، جلد اول، ص ۱۰۷
۲. همان کتاب، ص ۱۰۸
۳. استخری، ابواسحاق ابراهیم. مسالک و ممالک، ص ۹۰
۴. رامهرمزی، ناخدا بزرگ شهریار. عجایب هند، ص ۳۲

ابن مطهر مقدسی در کتاب البده و التاریخ خود (حدود ۳۵۵ هـ. ق) ضمن شرح حوضه آبریز دجله، می‌گوید:

« دجله از ابله به آبادان بگذرد و در خلیج پارسی ریزد...»<sup>۱</sup>

ابوریحان بیرونی خوارزمی (در گذشته ۴۴۰ هـ. ق) و معاصر با ابن حوقل در کتاب التفهیم لاوائل صناعة التنجیم و کتاب قانون مسعودی از این دریا به نام دریای پارس و خلیج پارس یاد کرده<sup>۲</sup> و در کتاب تهدید نهایات الاماکن لتصحیح مسافرات المساکن خود نوشته است دریای پارس در جنوب شیراز قرار دارد.<sup>۳</sup>

ابولقاسم محمد بن حوقل بغدادی فصلی از کتاب گران سنگ صورت الارض را، که در سال ۳۶۷ هـ. ق، به پایان رسانید به دریای پارس اختصاص داده و ضمن شرح مفصلی حدود دریای بزرگ بین قاره ای را بهتر از دیگر جغرافیانگاران مشخص نموده می‌گوید:

« دریای فارس- پس از ذکر دیار عرب ناحیه ای که شرح آن لازم است، دریای فارس است، که بیشتر حدود آن دیار را در بر می‌گیرد و دیار عرب و نیز بلاد اسلام به وسیله آن به یکدیگر متصل می‌شوند. آنگاه به بیان نواحی که این دریا شامل آنهاست می‌پردازیم و از قُلْزُم و کناره ی آن از سوی مشرق آغاز می‌کنیم. قُلْزُم به ایله منتهی می‌شود،

سپس حدود دیار عرب را دور می زند و از آنجا به عبادان/ آبادان و پس از قطع عرضی دجله به مهربان و سپس به جنبابه می رسد. آن گاه از کناره های فارس به سوی سیراف می گذرد و به سواحل هرموز از پشت کرمان امتداد می یابد و به دبیل و سواحل ملتان که ساحل سند است میرسد و در این جا مرز بلاد اسلام پایان می یابد. آن گاه از سواحل هند گذشته، سواحل تبت را قطع می کند و به سرزمین چین می رسد. <sup>۴</sup>

۱. رایین، همان کتاب، ص ۵۶
۲. مشکور، همان کتاب، ص ۱۲-۱۳
۳. بیرونی خوارزمی، ابوریحان محمد بن احمد. تهدیدنهايات الاماکن لتصحیح مسافات المساکن، ص ۳۳
۴. ابن حوقل. صورة الارض، ص ۱

در جای دیگر ضمن شرح سرزمین پارس، می گوید:

« اما دریا های آن بزرگترین دریاها همان دریای فارس است، که به نام آن سرزمین معروف است. <sup>۱</sup> پس از این حوقل، حدود دریای پارس در برخی آثار جغرافیایی، اندک اندک در جهت تطبیق با حدود امروزی خلیج فارس تغییر یافته و دریای هند، که از شاخه های دریای پارس به شمار می رفت، به جای آن دریا شناخته می شود و البحر الهندی نام گرفته و دریای پارس تا اندازه خلیج پارس کنونی محدود می شود. در کتاب حدودالعالم من المشرق الی المغرب، که کهن ترین کتاب جغرافیا به زبان پارسی می باشد و در سال ۳۷۲ هـ. ق. نوشته شده، نام این دریا، خلیج فارس آمده است: « دریای بزرگ که آن را بحرالاعظم خوانند... و این دریا را پنج خلیج است، ... یکی از آن ها را خلیج پارس خوانند از حد پارس برگیرد با پهنای اندک تا به حدود سند <sup>۲</sup>»

ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی، نویسنده ی کتاب احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم (۳۷۵ هـ.ق)، از دریای جنوب ایران به نام خلیج پارس و بحر فارس یاد کرده است: « اگر گفته شود، که مقصود خدا دو آب شور و شیرین است که آمیخته نمی شوند! چنان که خود گوید: اوست که دو دریا را در هم ریخت، پاسخ گویم: لؤلؤ و مرجان از آب شیرین برنیابند، و خدا می گوید: از آن دو ... و دانشمندان را خلاقی در این نیست که لؤلؤ از دریای چینی (خلیج پارس) و مرجان از رومی (مدیترانه) برآید، پس می فهمیم که مقصود این دو دریا بوده است <sup>۳</sup>»

۱. همان کتاب، ص ۳۵
۲. حدود العالم من المشرق الی المغرب، ص ۱۱-۱۲
۳. مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، بخش اول، ص ۲۳-۲۴

در جای دیگر می گوید:

« باید گفت دریاها هشت تا هستند و می گوئیم دریا، دریای حجاز است و هفت دریای دیگر دریاهاى قلمزم، یمن، عمان، مکران، کرمان، فارس، هجر می باشند و هشت دریای قرآن همین است. اگر گفته شود چرا دریاهاى عجم را در شمار این هفت نهادی؟ در صورتی که تو گفتی خدا با عربها در صورت آگاهی شان گفتگو کرده است پاسخ از دو راه است: نخست آنکه عربان به ایران سفر می کرده اند و آگاهی داشتند، چنان که عمر می گفت من دادگری را از کسرا و سیرت او فرا گرفتم. دیگر آن که ، کسی که بخواهد تا هجر و آبادان سفر کند ناچار از دریای فارس و کرمان و تیز مکران می گذرد. نیینی که بیشتر مردم این دریا را تا مرزهای یمن، دریای پارس می نامند؟ و بیش تر کشتی سازان و دریا نوردان فارسی هستند. این دریا از عمان تا آبادان کم پهنا است و مسافر راه خود گم نمی کند.»<sup>۱</sup>

## ۲- غزنویان، سلجوقیان و اتابکان لرستان

ابن بلخی در کتاب فارس نامه، که آن را بین ۵۰۰-۵۱۰ ه.ق، به فارسی تألیف کرده، می نویسد:  
« بحر فارس – این دریای پارس، طلیسانی است ، از دریای بزرگ که آن را بحر اخضر خوانند و نیز بحر محیط گویند، و بلاد چین و سند و هند و عمان و عدن و زنجبار و بصره و دیگر اعمال بر ساحل این دریاست و هر طلیسانی که از این دریا، در زمین ولایتی آمده است، آن را بدان ولایت باز خوانند ، چون دریای پارس و دریای عمان و مانند این و از این جهت این طلیسان را دریای پارس می گویند.»<sup>۲</sup>

۱. همان کتاب، ص ۲۶

۲. ابن بلخی ، فارس نامه ی ابن بلخی ، ص ۳۶۵

شرف الزمان طاهر مروزی در تبایع الحیوان (حدود ۵۱۴ ه.ق) آب های جنوب ایران را "الخلیج الفارسی" نگاشته است.

ابو عبدالله محمد بن محمد بن عبدالله بن ادریس، سرشناس به الشریف الادریسی ، از عرب های جزیره سیسیل، در کتاب نزهة المشتاق فی اختراق الافاق (۵۴۸ ه.ق) می نویسد:

« و یتشعب من هذا البحر الصینی الاخضر و هو بحر فارس و الابله و ممره من الجنوب الی الشمال مغربا قليلا فیمربه غربی بلادالسند و مکران و کرمان و فارس الی ان ینتهی الی الابله حیث عبادان و هناک ینتهی آخره»

یعنی: از این دریا چین ، خلیج سبز که دریای پارس و ابله است منشعب می گردد گذرگاه آن از جنوب تا اندکی به شمال غربی است ، چنان که از مغرب بلاد سند و مکران و کرمان و پارس بگذرد تا به ابله جایی که آبادان است منتهی گردد و آن جا پایان این دریاست»<sup>۱</sup>

محمد بن نجیب بکران خراسانی، نویسنده کتاب جهان نامه (۶۰۵ ه.ق) از خلیج فارس به نام بحر پارس یاد کرده، می نویسد:

« بحر مکران متصل است به بحر سند و مانند اوست. بحر کرمان پیوسته است به بحر مکران، و جزیره کیش که مروارید از آن جا می آورند، در این دریاست و چون از بحر کرمان بگذری بحر پارس باشد و طول این دریا از حدود

عمان تا نزدیکی سرانندیب بکشد، و بر جانب جنوب او جمله زنگبار است... و این بحر و بحر عمان هر دو یکی است به سبب آن که ولایت پارس بر جانب شمال اوست...»<sup>۲</sup>

۱. مشکور، همان کتاب، ص ۱۴-۱۵

۲. بکران، محمد بن نجیب، جهان نامه ف ص ۲۰-۲۱

شهاب الدین ابو عبدالله یاقوت ابن عبدالله حموی رومی، در دایرة المعارف جغرافیایی خود، سرشناس به « معجم البلدان» (۶۲۳ ه.ق) می نویسد:

« بحر فارس هو شعبه من بحر الهند الاعظم و اسمه به الفارسیه كما ذكره حمزه زراه کامسیر من التیز من نواحی مکران علی سواحل بحر فارس الی عبادان و هو فوه دجلة التي تصب فيه و تمتد سواحله نحو الجنوب الی قطر و عمان و الشحر و مرباط الی حضرموت الی عدن و علی سواحل بحر فارس من جهة عبادان من مشهورات المدن مهروبان قال حمزه و ههنا یسمى هذا البحر به فارسیه زراه افرنگ قال و هو خلیج متخلج من بحر فارس متوجها، من جهة الجنوب صدالی جهة الشمال حتی یجاوز جانب الابله»

یعنی: دریای پارس شعبه ای از دریا بزرگ هند است و چنان که حمزه ی اصفهانی گفته نام آن به پارسی " زراه کامسیر" است و حد آن از تیز از نواحی مکران بر کرانه ی پارس تا آبادان است و آن دهانه ی دجله است و آن رود بدان جا ریزد. کرانه های این دریا از جنوب تا به قطر و عمان و شحر و مرباط و حضرموت و عدن ادامه دارد. بر کرانه های دریای پارس از سوی آبادان از شهرهای مشهور مهروبان است. حمزه گوید که در این جا این دریا به پارسی " زراه افرنگ" نام دارد و آن خلیجی از دریای پارس است ، که از جنوب به شمال بالا رود تا از کنار ابله بگذرد.<sup>۱</sup>

۱. مشکور، همان کتاب، ص ۱۵

۳- مغول تا پهلوی

ابو عبدالله زکریابن محمد بن محمود قزوینی ، در کتاب آثارالبلاد و اخبار العباد ، ( ۶۷۴ ه.ق) ضمن اشاره به سرزمین پارس، از دریای پارس نام برده ، می گوید:

« پارس سرزمینی است بسیار مشهور که از شرق به کرمان و از غرب به خوزستان و از شمال به کویر خراسان و از جنوب به دریا که دریای پارس نامیده می شود محدود است»<sup>۱</sup>

قزوینی، در کتاب عجایب المخلوقات و قرائب الموجودات ، دریای پارس و دریای قُلزُم را در دو خلیج بزرگ نوشته ، که از دریای هند بیرون آیند:

« آن گه بحر هند آن گه خلیجی عظیم از او بیرون آید که یکی بحر فارس و یکی بحر قُلْزُم (دریای احمر/ دریای سرخ)...»<sup>۲</sup>

ابوالفداء الملک المؤید عمادالدین اسماعیل بن علی امیر حمایت، در کتاب تقویم البلدان (۷۲۱ ه.ق) می نویسد:  
« ... دریای پارس که از سوی شمال منشعب از دریای هند است، بین عمان و مکران است و مکران بندر آن نیز است و بر دهانه ی دریای پارس واقع است. سپس دریا بر ساحل عمان امتداد یافته و به شمال بگذرد تا به آبادان برسد و از آبادان به مهرویان و سپس به سی نیز امتداد یابد سپس از سوی جنوب به گناوه و ساحل دریا کرانه ی بلاد پارس است کشیده شود. سپس به سوی مشرق امتداد یافته به هورموز برسد و از جنوب و مشرق به کرمان بییوندد.»<sup>۳</sup>

۱. قزوینی، زکریابن محمد بن محمود. آثار البلاد و اخبار العباد، ص ۴۶

۲. قزوینی، زکریابن محمد بن محمود. عجایب المخلوقات و قرائب الموجودات، ص ۹۶

۳. ابوالفداء. تقویم البلدان، ص ۳۲

شمس الدین ابو عبدالله بن ابی طالب الانصاری دمشقی الصوفی، در گذشته به سال ۷۲۷ ه. ق، در کتاب نخوة الدهرفی عجائب البر و البحر، نام این دریا را بارها « بحر فارس» یا «بحر الفارسی» یا خلیج فارس آورده است. شهاب الدین احمد عبدالوهاب بن محمد النوبری، در گذشته به سال ۷۳۳ ه.ق، در کتاب نهاییه الارب فی فنون العرب، می نویسد:

«... اما خلیج فارس مثلث شکل است به صورت بادبان کشتی که یکی از ضلع های آن از جانب تیزمکران و بلاد کرمان بر هورموز و بلاد پارس و سیراف و مهرویان بگذرد و از آن جا دریا به آبادان منتهی شود و از آبادان برگشته به الخط که ساحل عمان است بگذرد و ضلع دیگر و بر سطح دریا از تیز مکران تا رأس الخیمه امتداد یابد...»<sup>۱</sup>

حمدا لله بن ابی بکر مستوفی قزوینی، در گذشته ۷۴۰ ه.ق، در کتاب نزهت القلوب، که آن را به پارسی نگاشته این دریا را بحر فارس نامیده، می گوید:

« جزایری که در بحر فارس است، از حساب ملک فارس شمرده اند و بزرگترین آن، به کثرت مردم و نعمت جزایر قیس (کیش) و بحرین است.»<sup>۲</sup>

ابوحفص زین الدین عمر مظفر، سرشناس به ابن الوردی، در گذشته به سال ۷۴۹ ه.ق، در کتاب خیرة العجائب و فریده الغرائب، می نویسد:

« ... فصل فی بحر فارس و ما فیہ من الجزایر و العجایب و یسمى البحر الاخضر و هو شعبة من بحر الهند الاعظم و هو مبارک کثیر الخیر دائم السلامه و طی الظهر قلیل الهیجان بالنسبه الی غیره.»

یعنی: فصل در پیرامون دریای پارس و جزیره ها و شگفتی های آن، و آن دریای سبز خوانده می شود و آن شعبه یی از دریای بزرگ هند است، و آن دریای پربرکت و سود آور دائما بی خطر و آرام است و بالنسبه به دیگر دریاها کم هیجان می باشد.



۱. رائین، همان کتاب، ص ۵۷

۲. مستوفی قزوینی، حمدالله. نزهت القلوب، ص ۱۶۴

شرف الدین ابو عبدالله محمد بن عبدالله طنجی، سرشناس به ابن بطوطه، جهانگرد و جغرافیا نگار سده ۸ ه.ق، در حله یا سفرنامه ی خود، کتاب تحفة النظارفی غرائب الامصار و عجائب الاسفار (۷۵۰ ه.ق)، آن جا که به شرح مسافرت خویش در خلیج فارس پرداخته است، گوید:

« ثم ركبنا فی الخلیج الخارج من بحر فارس فصبحنا عبادان.»

یعنی: پس در خلیج بیرون از دریای پارس بر کشتی نشسته و به آبادان در آمدیم.

ابی العباس احمد بن علی بن احمد الفلقشندی، در گذشته ۸۲۱ ه.ق، در کتاب صبح الاعشی فی صناعة الانشاء می گوید:

« و يتفرع من البحر الهندی بحران عظیمان مشهوران و هما (بحر فارس و الخلیج البربری) فامابحر فارس فهو بحر ينبعث من بحر الهند الخ...»

یعنی: از دریای هند دو دریای عظیم و مشهور متفرع می گردد و آن دو دریای فارس و خلیج بربری هستند. اما دریای فارس و آن دریایی است در دنباله ی دریای هند...

آن گاه اندازه های جغرافیایی دریای پارس را می نویسد، که برابر است با اندازه های کنونی خلیج پارس.

۱. مشکور، همان کتاب، ص ۱۸

مصطفی بن عبدالله کاتب چلبی قسطنطنی، سرشناس به حاجی خلیفه، در گذشته ۱۰۶۷ ه.ق، در کتاب جهان نما در جغرافیای عالم، که به ترکی نگاشته شده است، می گوید:

Bahre fars –buna sinus persiqus dirlar fars korfuzi mand sina, sharqisi belade fars  
olmaqla ona nesbat, va mare persiqum daxi dilar.

یعنی: دریای پارس- به این دریا سینوس پرسیقوس می گویند به معنی خلیج پارس. به مناسبت این که در خاور آن پارس واقع است بدان نسبت داده می شود. و آن را ماره پرسیقوم (دریای پارس) نیز می گویند.<sup>۱</sup>

در فرهنگ بستانی، اثر سده ی ۱۲ ه. قریال از خلیج پارس و هم خلیج عربی یاد گردیده و به این نکته اشاره شده، که منظور از خلیج تا عجمی «خلیج فارس» و خلیج العربی، دریای سرخ است.<sup>۱</sup>

تاریخ نگاران دوران قاجاریه، از جمله محمد ابراهیم کازرونی در تاریخ بنادر و جزایر پارس، رضا قلی خان هدایت در روضة الصفای ناصری و لسان الملک سپهر در ناسخ التواریخ و دیگران، در تدوین و شرح رویدادهای مهم کشور، در هر جا که به مناسبتی اشاره ای به دریای جنوب ایران شده، آن را خلیج پارس نامیده اند. محمد ابراهیم کازرونی، در تاریخ بنادر و جزایر خلیج پارس، که در زمان محمد شاه قاجار (۱۲۵۰ - ۱۲۶۴ ه.ق) آن را نوشته است، خلیج پارس را یکی از شاخه های دریای پارس دانسته، می نویسد:

« رودخانه های کوچک که در کنار هم ریخته می شود و انهار و شطوط بزرگ گشته در ارونند می ریزد و از آن جا در خلیج دریای پارس، که خلیجی است از بحر محیط می ریزد.»<sup>۲</sup>

رضا قلی خان هدایت تبرستانی در روضة الصفای ناصری (۱۲۷۴ ه.ق) از دریای جنوب ایران به نام بحر فارس یاد کرده، می نویسد:

« بحر فارس را شانزده جزیره متعلق به فارس است: بحرین، دال، بلو، خارگ، استوار (شیتوار/اشتوار)، هندراوی، لارک، تانجو، قیس/کیش، ملکان، قشم، هنگام، فلور، هرموز، سیری، یمیار.»<sup>۳</sup>

- 
۱. مدنی، احمد. محاکمه ی خلیج فارس نویسان، ص ۳۳
  ۲. کازرونی، محمد ابراهیم. تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس، ص ۲۷
  ۳. هدایت طبرستانی طبرستانی، رضا قلی خان. تاریخ روضة الصفای ناصری، جلد دهم، ص ۱۸۹

شمس الدین محمد سامی، در قاموس الاعام چاپ استانبول ۱۳۰۶ ه.ق، به پیروی از ادریسی، که در نزهة المشتاق، از دریای پارس به عنوان «بحر فارس و الابله» نام برده است، آن را خلیج بصره می نویسد و به استناد این دو اثر بود که امپراتوری عثمانی تلاش کرد تا خلیج بصره نام دهد، اما با همه ی کوششی که در این راه به عمل آورد، سرانجام نه تنها موفق نگردید، بلکه امروزه رو به رو شدن با آن ترکیب ساختگی، جز ایجاد شگفتی از میزان جهل و تعصب آن گروه تأثیری در خاطره ها نمی گذارد. حکومت عثمانی پیشین به این امر توجه نداشت، که منظور ادریسی و شمس الدین سامی از خلیج بصره یا ابله، بخش کوچکی از خلیج پارس بوده است در کنار آن. چنان که در برخی از آثار خلیج بوشهر و خلیج هرموز نیز آمده و در هنگام لزوم برای توضیح بیشتر، واژه ی خلیج پارس در کنار این نام ها نوشته شده است و از جمله شاکر خصباک عراقی، نگارنده ی کتاب الاکراد، در شرح حدود کردستان پیشین، به شرف نامه ی شرف خان بدلیسی استناد می کند و آن جا که به ترکیب "دریای هرموز" می رسد، برای روشن ساختن موضوع، واژه ی الخلیج الفارسی را در کنار آن می نویسد:

« ... اما شرف خان بدلیسی فقد ذکر فی کتابه (الشرف نامه) بان کردستان تبدأ عند شواطی بحر هرموز ( او الخلیج الفارسی المجاور البحر الهندی) ممتدة فی خط مستقیم حتی ولایة ملاطیه ( و هی مدینته فی ولایة خربوط فی کردستان ترکی) و ( مرعش ) مدینته فی شمال حلب) و تمتد شمال هذا الخط فتشمل ولایة فارس و العراق العجمی...»  
یعنی: سرزمین کردستان از کرانه های دریای هرموز (خلیج فارس که نزدیک اقیانوس هند است) آغاز و به خط مستقیم تا شهر ملاطیه که شهری در استان کردستان ترکیه و مرعش (شهری در شمال حلب) است، ادامه می یابد...»<sup>۱</sup>

۱. مجتهد زاده ، همان کتاب، ص ۴۵-۴۷

شاهان قاجار در فرمان هایی که صادر کرده اند، آب های جنوب ایران را به نام خلیج پارس خوانده اند، مانند فرمان مظفرالدین شاه در باره ی اعطای امتیاز بهره برداری از معادن و جزایر هرموز ، لارک، هنگام و بُستانه به حاج محمد معین التجار بوشهری:

« ... امر می فرماییم که امتیاز و اجازه ی معادن جزایر هرموز، لارک، هنگام و بُستانه ، در مدت مقررہ کماکان با معین التجار است و باید با کمال حسن مراقبت و صداقت در امور جزایر مزبورہ اقدام نموده مالیات و وجه اجاره ی معادن مزبورہ را به اضافه در هذالسنه تخاقوئیل و بعدها همه ساله از قرار تفصیل ذیل به کارگزاران دیوان اعلی کارسازی نماید. حکام حال و استقبال بنادر در خلیج فارس وجهاً من الوجوه مداخله ی غیرا را در جزایر مزبور جایز ندانسته همواره کمال مراقبت را در تقویت او به عمل آورند. مقرر آن که مستوفیان عظام، شرح فرمان همایونی را ثبت و ضبط نموده در عهده شناسند، فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۳۱۵ ه.ق.»<sup>۱</sup>

۱. بوشهری، معین التجار. تذکرة للمتقین ، تفصیل جزیره ی هرموز، صورت احکام هیأت دولت مشروطه، ص ۲۸-

۲۹

## نام خلیج پارس و نویسندگان ، جهانگردان و فرهنگهای عربی و اروپایی

### ۱- نویسندگان و فرهنگ های عربی

جرجی زیدان، نویسنده ی تاریخ تمدن اسلام، و محمد فرید وجدی ، در دایرة المعارف اسلامی سده ۸ ه.ق، دریای جنوب ایران را خلیج پارس نامیده اند و خلیج پارس ، این نام اصیل، در کتاب الدلیل العراقی ، سالنامه ی رسمی ۱۹۳۶ م، عراق بارها نوشته شده است.  
طله الهاشمی، رئیس پیشین ستاد ارتش عراق، در کتاب خود، که به نام جغرافی العراق منتشر کرده، خلیج پارس را به نام درست آن نگاشته است. بنابراین، تردیدی وجود نخواهد داشت، که از گذشته های دور و هم چنین

از زمان تاریخ نگاری و نام گذاری سرزمین ها و دریاها، دریای جنوب ایران ، دریای پارس و خلیج فارس نامیده شده است.

تاریخ نگاران عرب دیگری در سده اخیر در تایید پیشینه ی تاریخی خلیج پارس ، گفتارهایی در آثار و نشریه های عربی به چاپ رسانده اند.

دکتر نوفل مصری کوشش هایی را که برای تغییر نام خلیج پارس صورت می گیرد مورد نکوش قرار داده و آن را رد کرده است. وی در کتابی که در سال ۱۹۵۲ م/ ۱۳۳۱ هـ. ش، درباره امارت های خلیج فارس نوشته، همه جا از خلیج پارس نام برده است.

قدری قلجی، نویسنده ی عرب ، طی مقاله ای به نام "ملاقات صلح در مهد اسلام" که در سال ۱۹۶۸ م/ ۱۳۴۷ هـ.ش، در روزنامه ی الراسد بیروت چاپ شده است ، ایران را کشوری دوست و برادر نامیده ، که تاریخ آن، به تاریخ عرب آمیخته است، و اختلاف دو طرف را در مورد عربیت خلیج پارس بی اساس دانسته است.

نذیر فنطه نیز طی مقاله ای در روزنامه ی الاخاء، نظر قدری قلجی را تایید کرده، می گوید:  
« شما را به خدا بگویند که نام خلیج پارس از چه تاریخی در کنار لفظ عربی قرار گرفت. این بدعتی است از زبان سیاستمداران و در راه یک هدف معین.»

علی حُمیدان، در کتاب سلاطین سیاه، چاپ پاریس، بارها از خلیج پارس نام برده است. روزنامه ی تایمز لندن، در شماره ۱۶ دسامبر ۱۹۶۸ م/ ۱۳۴۷ هـ. ش، اظهار امیدواری کرده که دیگر نویسندگان و تاریخ نگاران عرب نیز از علی حمیدان پیروی کرده و از کوشش بیهوده در تغییر نام خلیج پارس، که سده ها در تمامی نقشه های جهان، به همین نام آمده است، خودداری کنند.<sup>۱</sup>

امروز معتبرترین آثار عربی، در وابستگی دریای جنوب ایران به سرزمین پارس، اصطلاح خلیج پارس را به کار میبرند و بحر پارس را به فراموشی سپرده اند. از جمله آثار سرشناس ترین دایرة المعارف عرب، یعنی المنجد، چاپ ۱۹۶۶ م/ ۱۳۴۵ هـ. ش، که سند معتبری برای استفاده در این مورد است، از اصطلاح خلیج پارس استفاده کرده است. در صفحه ۶۶، بخش الادب والعلوم آن، درباره بحرین ، آمده است:

« البحرین: مجموعة جزیره بالقرب من شاطی الغربی للخليج الفارسی(۱۱۵/۰۰۰) اکبرها جزیره(المنامة)...»  
یعنی: بحرین مجموعه جزایری واقع در نزدیکی کرانه های باختری خلیج فارس(۱۱۵/۰۰۰) و بزرگترین آن، جزیره منامة نام دارد...

در کتاب المسوعة العربية المسيرة، نوشته عبدالکریم صبحی، چاپ قاهره (۱۹۶۵ م) دریای جنوب ایران، الخلیج الفارسی (خلیج پارس) نوشته شده است.<sup>۲</sup> و هم چنین در نقشه کتاب کارتوگرافی (علم الخرائط، نوشته ی عبدالکریم صبحی) و نیز در ترجمه ی کتاب تاریخ اعراب، نگارش فیلیپ حتی (چاپ بیروت ۱۹۶۹) که آن را دکتر انیس فریجه ترجمه کرده است، ترکیب الخلیج الفارسی (خلیج پارس) به کار رفته است.

---

۱. بختیاری اصل، فریبرز . خلیج همیشه فارس، مجموعه ی مقالات سمینار بررسی مسایل خلیج فارس، تهران،

دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۸، ص ۱۴۱

۲. افشار(سیستانی)، ایرج. نام دریای پارس و دریای مازندران و بندر ها و جزیره های ایرانی، ص ۴۸- ۵۰

مدرسه ی پیشین مستنصریه در بغداد در کنار رود دجله قرار گرفته و اکنون موزه کشور عراق است. در چند اتاق آن، نقشه های جغرافیایی قدیمی به دیوار آویخته شده، که از لحاظ بررسی و پژوهش دارای اهمیت هستند. در همه ی این نقشه ها ، خلیج پارس به خط نسخ یا کوفی روشن و آشکار به نام اصلی، یعنی خلیج پارس نوشته شده است.<sup>۱</sup>

## ۲- نویسندگان، جهانگردان و فرهنگ های اروپایی

درباره خلیج پارس و نام آن ، تا کنون آثار بسیاری، چون کتاب و مقاله از دیدگاه های گوناگون نگاشته شده است و بیش تر کسانی که در مورد خلیج پارس سخن گفته و نوشته اند، از بیگانگان، بویژه انگلیسی ها بوده اند، زیرا به لحاظ جایگاه ویژه ای که در این منطقه داشته اند، بیشتر کوشیده اند تا حقیقت پنهان ماند و نام ساختگی و نادرست را به جای نام اصیل و درست خلیج پارس ، به کار برند. بیشتر ماموران انگلیسی نیز در گزارش ها و سخنرانی های خود، از واژه ی ساختگی و نادرست خلیج به جای خلیج پارس ، که نام درست، باستانی، مستند و نگهداری شده ی در تاریخ است، استفاده کرده اند. به علاوه داستان تغییر نام خلیج پارس در سال های اخیر نیز از ترفند های همان بازی های پنهانی سیاست بود، که خوشبختانه مورد پذیرای جهانیان قرار نگرفت.

سرچارلز بلگریو، که از سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۵۷ م، کارگزار انگلستان در خلیج پارس بود، کتابی نوشت، که در سال ۱۹۶۶ م / ۱۳۴۵ ه.ش، چاپ و منتشر شد. وی در نوشته ها و پژوهش های خود، بیشتر از یادداشت های «سر فرانسیس ارسکین لاک» که یکی دیگر از کارگزاران و پیروان مکتب سیاست شناخته شده بیگانگان در خلیج پارس بود، بهره برده است.

---

۱. جمال زاده، سید محمد علی. نام خلیج فارس در هزار سال پیش از این، مجله ی یغما، سال ۱۷، شماره ی ۸  
آبان ۱۳۴۳ ص ۳۵۳

لرد بلگریو، که بیش از ۳۰ سال ، سیاست استعماری انگلستان را در خلیج پارس رهبری کرد و با ایران و ایرانی نیز چندان خوب نبود، نخستین کسی بود، که آشکارا واژه خلیج عربی را به جای نام درست و اصیل خلیج پارس جعل کرد و آن را با زیرکی ویژه ای به کار برد.  
در کتاب خود می نویسد:  
« خلیج پارس که تازیان اینک آن را خلیج عربی گویند.....»

و بدین ترتیب می‌خواهد واژه‌ی ساخته شده‌ی خلیج پارس را در بین مردم و کشورهای منطقه‌ی خلیج پارس، به ویژه عربها، زبان زد سازد. پیش از استفاده او از این نام نادرست، واژه خلیج العربی، هرگز در نوشته‌های معتبر به چشم نمی‌خورد، مگر در موارد اندکی که برخی از تاریخ و جغرافیانگاران از دریای سرخ به نام خلیج العربی یاد کرده‌اند.<sup>۱</sup>

لرد بلگریو در اواخر فرمانروایی خویش بر کرانه‌های باختری خلیج پارس، برای نخستین بار در مجله‌ی صوت البحرین، از خلیج پارس به نام خلیج العربی یاد کرده، سپس با تلاش بسیار آن را گسترش داد. بلگریو، در دومین کتاب خود، به نام «به بحرین خوش آمدید» (۱۹۵۵ م) از خلیج پارس به نام درست و اصلش یاد کرده است.<sup>۲</sup>

لازم به توضیح است، که موضع تغییر نام خلیج پارس، پیشینه‌ی دراز تری داشته است، زیرا پیش از اقدام آشکار بلگریو، در جریان سیاسی در ابعاد گوناگون در شرف تکوین بوده است، که چگونگی آن، در پرونده‌ای زیر عنوان تغییر نام خلیج پارس، مربوط به سال ۱۹۳۷ م/۱۳۱۶ ه.ش، در وزارت امور خارجه انگلستان وجود دارد.

---

۱. مدنی، سید احمد. محاکمه‌ی خلیج فارس نویسان، ص ۱۴-۱۵

۲. همان کتاب، ص ۱۶

با این حال، بعضی از تاریخ‌نگاران، جغرافیانگاران، سیاستمداران و ماموران کشورهای بیگانه، در کتاب‌ها، مقاله‌ها، و سخنرانی‌های خود، از این دریا بارها به نام خلیج پارس یاد کرده‌اند که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

بارون تاورینه، سرشناس به ژان پاپتیس، جهانگرد فرانسوی، که در سده ۱۷م، چندین بار به ایران سفر کرده است، درباره دریانوردی در خلیج پارس، می‌نویسد:

«دریانوردی در خلیج‌ها خطرناک‌تر از دریا‌های بزرگ است، به جهت اینکه در موقع انقلاب و تلاطم، امواج کوتاه‌ترند و سریع‌تر رفت و آمد می‌کنند، از این رو کشتی نمی‌تواند عرض آب را ببیماید و در خلیج پارس خطر از سایر خلیج‌ها بیشتر است، زیرا که در چندین نقطه عمق دریا خیلی کم است و کشتی‌هایی که داخل این خلیج می‌شوند بایستی از هرموز یا بندر لنگه ملاحان بومی استفاده کنند تا بصره و هم چنین از بصره تا هرموز...»<sup>۱</sup>

در کتاب تاریخ اقتصادی ایران (۱۷۸۰ الی ۱۹۶۰ م) که توسط چارلز عیسوی لبنانی الاصل، ویراستاری شده است، نام درست خلیج پارس ده بار تکرار گردیده و در صفحه ۲۵ آن آمده است:

«راه‌های ارتباطی ایران، با دنیای خارج، با برقراری خطوط تلگرافی به اروپا و راه افتادن کشتی‌های تجاری در دریای مازندران و خلیج پارس رو به بهبود گذاشت.»<sup>۲</sup>

لرد گرزُن<sup>۳</sup>، وزیر امور خارجه انگلستان، به سال ۱۸۹۲ م/۱۲۷۱ ه.ش، در کتاب ایران و قضیه‌ی ایران خود، به خلیج پارس اشاره کرده، می‌نویسد:

« از لحاظ من تفویض بندری به دولت روس در خلیج پارس از ناحیه ی دولتی که باشد لطمه و اهانت ارادی نسبت به انگلستان و سبب اختلاف بی جهت وضع موجود و انگیزه ای غرض آلود در پیدایش جنگ و جدال خواهد بود.»<sup>۴</sup>

۱. تاورنیه، بارون. سفرنامه ی تاورنیه، ص ۲۴۵-۲۴۶

۲. عیسوی، چارلز. تاریخ اقتصادی ایران، ص ۲۵

### 3. Lord Kurzon

۴. گرژن، جرج. ن. ایران و قضیه ی ایران، جلد دوم، ص ۵۵۵

لرد لانس دان، وزیر امور خارجه انگلستان در ۵ مه ۱۹۰۳ م/۱۲۸۲ هـ. ش، در مجلس اعیان آن کشور، ضمن سخنانی به نام درست و اصیل خلیج پارس اشاره کرده است:

« بدون هیچ گونه تردیدی می گویم به وجود آمدن یک پایگاه دریایی یا یک بندر نظامی در خلیج پارس به وسیله قدرت دیگر، از نظر من خطری بزرگ برای منافع بریتانیا است و اگر چنین وضعی پیش آید، با تمام قوا و امکاناتی که داریم با آن مقابله خواهیم نمود»<sup>۱</sup>

سر آتور هاردینگ، وزیر مختار بریتانیا در ایران، که روزگار مظفرالدین شاه قاجار از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۵ م/۱۲۷۹-۱۲۸۴ هـ. ش، در ایران می زیسته، در کتاب خاطرات خود، از دریای جنوب ایران به نام خلیج پارس یاد کرده، می نویسد:

« مبلغی معادل دو میلیون و چهارصد هزار لیره ی انگلیسی (با بهره ۵٪) به دولت ایران وام داده و عایدات کلیه بنادر ایران غیر از بندرهای پارس و خلیج پارس را به عنوان محل استهلاك وام، گرو برداشته بود.»<sup>۲</sup>

سر آرنولد ویلسن، پژوهشگر و دیپلمات انگلیسی، در کتاب خلیج پارس (۱۹۲۸ م) خود، بارها از آب های جنوبی ایران به نام خلیج پارس یاد کرده، می گوید:

« اهمیت موقع خلیج پارس از جهت دفاع و حفظ منافع هندوستان به خوبی از این نکته استنباط می شود که کلیه قونسول ها و مأموران سیاسی نواحی مختلف آن، از طرف حکومت هندوستان تعیین می گردد و قسمتی از نیروی دریایی هند همیشه در آب های آن مستقر است»<sup>۳</sup>

۱. وادالا، ر. خلیج فارس در عصر استعمار، ص ۸۳

۲. هاردینگ، سر آرتور. خاطرات سیاسی سر آرتور هاردینگ، ص ۲۱

۳. ویلسن، سر آرنولد. خلیج فارس، ص ۱۰

سر دنیس رایت، سفیر پیشین انگلستان در ایران، که در سال ۱۹۵۳ م/۱۳۳۲ هـ. ش، برای بازگشایی سفارت بریتانیا، به ایران سفر کرده و در سال ۱۹۶۳ م/۱۳۴۲ هـ. ش، به عنوان سفیر کبیر به ایران آمده و تا ۱۹۷۱

م/ ۱۳۵۰ هـ. ش، در تهران بود، در کتاب ایرانیان در میان انگلیسی ها، بارها از دریای پارس به نام خلیج پارس نام برده، می نویسد:

« برای خاطر جمع ساختن شیخ خزعل به سر پرسی کاکس، نماینده سیاسی مقیم بریتانیا در خلیج پارس اجازه داده شد به اطلاع شیخ برساند که دولت بریتانیا متعهد شده است استقلال ایران را محترم بشمارد و توضیح می دهد که تعهد موضوع قرارداد ۱۹۰۷ م/ ۱۳۲۵ هـ. ق/ ۱۲۸۶ هـ. ش، به معنی حفظ وضع موجود در کشور است که از آن جمله است ادامه ی حالت خودمختاری که آن جناب در حال حاضر از آن برخوردار هستند.»<sup>۱</sup>

ویلیام راجرز، وزیر امور خارجه ی پیشین آمریکا، در گزارش ۱۹۷۱/۳/۲۶ م، خود در مورد سیاست خارجی این کشور از نام درست و اصیل این دریا، یعنی خلیج پارس استفاده کرده، می گوید:

« میزان سرمایه گذاری خصوصی آمریکا در نفت شبه جزیره عربستان و سواحل خلیج پارس، از یک میلیارد و نیم دلار تجاوز نمی کند.»<sup>۲</sup>

الکسی واسیلیف، در کتاب مشعل های خلیج پارس (۱۹۷۱-۱۹۷۷ م) بارها به نام درست این دریا، یعنی خلیج پارس اشاره کرده، می نویسد:

« در آغاز سال های پنجاهم، نخستین توفانی که پس از گذشت ۲۰ سال نافذتر شده است، حوضه ی خلیج پارس را فراگرفت، در ماه مه ۱۹۵۱ م، حکومت مصدق شرکت نفت انگلیس و ایران را ملی کرد. کار دکتر مصدق، اقدامی بود قاطع و مردانه که حق حاکمیت ملت ایران را بر ثروت های طبیعی خویش به وی بازگردانید.»<sup>۳</sup>

۱. رایت، سردنيس . ایرانیان در میان انگلیسی ها، جلد دوم، ص ۳۶۳

۲. لایروس، هانری. خلیج فارس و کانال سوئز، ۳۳

۳. واسیلیف، الکسی. مشعل های خلیج فارس، ص ۲۱

فرد هالیدی، در کتاب مزدوران انگلیسی، نیروی ضد اغتشاش در خلیج پارس (بین سال های ۱۹۷۷-۱۹۷۹ م) از نام درست خلیج پارس استفاده کرده، می گوید:

« هدف نظام یا نظم نوینی که در خلیج پارس شکل می گیرد، عملی ساختن تحولات و پایان دادن به تنش هایی است که در اواخر سال های ۱۹۵۰ م، شروع شده است.»<sup>۱</sup>

سر آنتونی پارسونز، آخرین سفیر انگلیسی در رژیم شاهنشاهی، در کتاب غرور و سقوط خود از آب های جنوبی ایران، بارها به نام خلیج پارس اشاره کرده، می نویسد:

« با خروج نیروهای انگلیسی از منطقه خلیج پارس در ۱۹۷۱ م، و سلب تعهدات انگلستان برای دفاع از این منطقه، نیکسون تصمیم گرفت این خلاء را با تقویت ایران و سایر کشورهای منطقه پر کند...»<sup>۲</sup>

برژینسکی، مشاور امنیتی کارتر، رئیس جمهور پیشین آمریکا، که همواره خواهان اعمال سیاست های خشونت آموزی درباره ایران است، در کتاب Game Plan خود، از این دریا به نام درست آن، یعنی خلیج پارس، یاد کرده است.<sup>۳</sup>



فرهنگ‌هایی که به زبان‌های گوناگون، به ویژه اروپایی، تدوین یافته‌اند، خلیج پارس را به همین نام درست آن یاد کرده‌اند، مانند:

Der Grosse brockhaus

فرهنگ آلمانی

Persischer Meer Bu sen

که:

Americana ,Encyclopedia Britannica

و فرهنگ‌های انگلیسی و امریکایی

The encyclopedia که : Persian Gulfe و فرهنگ فرانسه:

Larousse Duxxesiecle که Golfe Persique:

و فرهنگ ترکی قاموس الاعلام تاریخ و جغرافیای لغتی، که خلیج پارس را به همین نام می‌خوانند و نام پارس و فارس در نوشته‌ی تمامی فرهنگ‌های بیگانه به کار رفته است.

۱. هالیدی ، فرد. مزدوران انگلیسی، ص ۲۶

۲. پارسونز، سر آنتونی. غرور و سقوط، ص ۸۰

۳. فتح الهی، جعفر. سوابق تاریخی و وجه تسمیه‌ی خلیج فارس، مجموعه‌ی مقالات سمینار مسایل بررسی خلیج فارس،... ص ۴۴۳

### خلیج عربی کجاست ؟

۱- پیش از اسلام

خلیج العربی که به رومی آن را "سینوس آرابیکوس" <sup>۱</sup>، یعنی خلیج عربها می‌گفتند، در کتاب‌های تاریخی و جغرافیایی پیشین، به بحر احمر، که بین تنگه باب المندب و کانال سوئز قرار دارد، اطلاق می‌شده است، و به مناسبت شن‌های سرخ کرانه‌های آن به یونانی "اریتره" و به لاتین "ماره روبروم" "Mare Rubrum"، یعنی دریای سرخ می‌خواندند، و بحر قلزم هم نامیده شده است.

یونانی‌ها دریای پارس را خلیج فارس و بحر احمر یا دریای سرخ را "خلیج عرب" نامیده‌اند.

هکاتایوس، ملطی، از دانشمندان پیشین یونان، سرشناس به پدر جغرافیا، (درگذشته ۴۷۵ پ.م) در نقشه ای که از دنیای روزگار خود تهیه نموده، بحر احمر را "خلیج عرب" خوانده است.

هرودوت، تاریخ نگار یونانی (در گذشته ۴۲۵ پ.م) در تاریخ خود نام بحر احمر را بارها "خلیج عرب" نوشته است.

آراتوس تنوس یونانی (درگذشته ۱۹۶ پ.م) در نقشه جغرافیایی دنیا، بحر احمر را خلیج عرب خوانده است.

## 1. Sinus Arabicus

## 2. Mare Rubrum

استرابون، جغرافیانگار یونانی نیز از بحر احمر به نام خلیج عرب یاد کرده است. بطلمیوس، جغرافیانگار دیگر یونانی، که در میانه ی سده ۲ م، می زیسته، نام بحر احمر را به لاتین «آرابیکوس سینوس»، یعنی خلیج عربی نوشته است.<sup>۱</sup>

۲- پس از اسلام

ابن رُسته، نویسنده ی کتاب الاعلاق النفیسه (۲۹۰ ه.ق)، ضمن شرح دریای هند، هم از خلیج پارس و هم از بحر احمر (خلیج عربی / دریای سرخ) نام برده، میگوید:  
«خلیج دیگری در جانب ایله از آن جدا می شود که به نام دریای احمر است و باز از این دریا خلیج دیگری به طرف ناحیه ی پارس جدا می شود، که به خلیج پارس موسوم است.»<sup>۲</sup>

استخری، ابواسحاق ابراهیم، در کتاب مسالک و ممالک (۳۴۰ ه.ق)، از بحر احمر و خلیج پارس به نام دریای قلزم یاد کرده، می نویسد:

«آن چه از این دریا (دریای پارس) از حدود قلزم تا آن جا که در برابر یمن آنرا دریای قلزم خوانند، و دریای قلزم چون وادی است، و در آن کوه های بسیار است در زیر آب و راه در آن دریا معلوم است، که چگونه باید رفت... و میان قلزم و ایله جایگاهی است که آن را تاران گویند.»<sup>۳</sup>

ابن حوقل تمامی آب های جنوب را دریای پارس دانسته، می گوید:  
«این دریا را در شبانه روز دو بار جزر و مد است که از حد قلزم (بحر احمر) آغاز می شود، و در منتهای دریا یعنی حد چین پایان می پذیرد.»<sup>۴</sup>

۱. مشکور، محمد جواد. نام خلیج فارس در طول تاریخ
۲. ابن رسته . الاعلاق النفیسه، ص ۹۵
۳. استخری، ابواسحاق ابراهیم. مسالک و ممالک، ص ۳۲
۴. ابن حوقل . صورة الارض، ص ۵

در کتاب حدوالعالم من المشرق الی المغرب (۳۷۲ هـ. ق) ضمن شرح دریای بزرگ جنوب، به روشنی از خلیج عربی (بحر احمر/بحر قلزم) یاد شده است:

« و این دریا را پنج خلیج است : یکی از آن خلیجی است از حد حبشه بردارد به سوی مغرب بکشد برابر سودان، آن را خلیج بربری خوانند و خلیجی دیگر هم بدین پیوسته برود به ناحیت شمال فرود آید تا حدود مصر و باریک گردد تا آن جا که پهنا او یک میل گردد، آن را خلیج عربی خوانند و خلیج ایله نیز خوانند و خلیج قلزم نیز خوانند...»<sup>۱</sup>

ابو عبدالله محمد ابن احمد مقدسی، نویسنده کتاب احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم (۳۷۵ هـ. ق) در شرح دریاها، به طور آشکار هم به قلزم یا دریای سرخ / خلیج عربی و هم به خلیج پارس اشاره نموده ، می گوید:

« بدان که در کشور اسلام جز دو دریا نمی بینی ، نخست از خاور زمستانی میان کشور چین و کشور سیاهان برآید، و چون به کشور اسلام رسد گرد جزیره العرب بگردد... دارای خلیج ها و شاخه های بسیار است، ... برخی آن را مانند طیلسانی به دور کشور چین و حبشه می دانند که یک بال او در قلزم (دریا ی سرخ/خلیج عربی) و بال دیگرش در آبادان (خلیج پارس) باشد»<sup>۲</sup>

محمد بن نجیب بکران در کتاب جهان نامه ی خود (۶۰۵ هـ. ق) ، از خلیج عربی به نام های بحر قلزم و بحر احمر یاد کرده، می گوید:

« بحر قلزم - قلزم شهری است که بر نهایت این دریاست. این دریا به این شهر معروف است ... و این بحر را خلیج احمر خوانند...»<sup>۳</sup>

۱. حدود العالم، ص ۱۲
۲. مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ص ۱۵
۳. بکران، محمد بن نجیب. جهان نامه، ص ۲۳

زکریا بن محمد بن محمود قزوینی ، نویسنده ی کتاب آثار البلاد و اخبار العباد (۶۷۴ هـ. ق) از بحر احمر / خلیج عربی به نام دریای قلزم یاد کرده و در شهر ایله ، می گوید:

« ایله، شهری است در کنار دریای قلزم در طرف شام و در زمان داوود (ع) شهری بزرگ بوده و حال مجمع حجاج مصر و شام است از راه دریا...»<sup>۱</sup>

در جای دیگر ، می نویسد:

« ولایت تیه در میان ایله و مصر و دریای قلزم و کوه های سرآه است... و چهل سال بنی اسرائیل در آن جا ماندند.

جزیره الجساسة در دریای قلزم است گویند دجال در این جزیره، محبوس است و جساسة حیوانی است، که جست و جوی اخبار کند و دجال بر او سوار شود»<sup>۲</sup>

در فرهنگ بستانی (تالیف سده ۱۲ هـ.ق) به این نکته اشاره است که منظور از خلیج العجمی، خلیج پارس و منظور از خلیج العربی، دریای سرخ یا بحر احمر است.<sup>۳</sup>

جرجی زیدان، تاریخ نگار سده ۲۰ م، نیز در کتاب تاریخ تمدن اسلام خود، دریای سرخ را الخلیج العربی و خلیج پارس را به همان نام اصلی و طبیعی اش، یعنی خلیج پارس، نام برده است.

« هرگاه نام خلیج پارس برده می شود، منظور آبهایی است، که بلاد عرب را احاطه کرده است، و آن قسمت از باب المندب تا ایله امتداد دارد، به دریای قرمز یا قلزم مشهور است »<sup>۴</sup>

۱. قزوینی، زکریا بن محمد محمود. آثار البلاد و اخبار العباد، ص ۲۰۸

۲. ابوالفداء. تقویم البلدان، ص ۳۳-۳۴

۳. مدنی، سید احمد. محاکمه ی خلیج فارس نویسان، ص ۳۳

۴. زیدان، جرجی. تاریخ تمدن اسلام، ص ۲۴۹

#### نام خلیج پارس و اسناد حقوقی و سازمان ملل متحد

۱-

۲- اسناد حقوقی

از سال ۱۵۰۷ تا ۱۵۶۰ م، در تمامی موافقت نامه هایی که پرتغالی ها، اسپانیایی ها، هلندی ها، انگلیسی ها، فرانسوی ها، بلژیکی ها، آلمان ها، و... با ایران و کشورهای دیگر، در خلیج پارس بسته شده، همه جا از نام درست و اصیل خلیج پارس استفاده شده است.

نخستین موافقتنامه ی چند جانبه و مهمی که بین انگلیسی ها و شیخ ها و عرب های کرانه های جنوبی خلیج پارس بسته شده و ضمن آن، عرب ها به طور رسمی تعهداتی بر عهده گرفته اند، موافقت نامه ۸ ژانویه ی ۱۸۲۰ م / ۱۱۹۹ هـ. ش، است.

این موافقت نامه، که به امضای ژنرال کایر انگلیسی و ۱۱ نفر از روسای عرب کرانه های جنوبی خلیج پارس رسیده است، با عنوان قرار داد کلی با قبایل عرب در خلیج فارس، تنظیم گردیده و در متن موافقت نامه، هرگاه اشاره ای به دریای جنوب ایران شده است، آن را خلیج پارس نامیده اند.

از این زمان به بعد نیز در تمامی موافقت نامه هایی که عرب ها هم شرکت داشته اند، حتی در متن عرب، الخلیج الفارسی و در متن انگلیسی Persian Gulf<sup>۱</sup> نوشته اند. از جمله می توان به یادداشت های پایاپای شیخ کویت و نمایندگان انگلستان در خلیج پارس اشاره کرد، که سند استقلال کشور کویت به شمار می روند. در آغاز متن عربی و انگلیسی این یادداشت ها چنین آمده است:

« حضور صاحب الفخامه المقیم السیاسی لصاحبه اجلاله فی الخلیج الفارسی المحترم، بعد اسلام و التحیه... »  
یعنی: جناب نماینده سیاسی محترم علیا حضرت ملکه ی انگلستان مقیم خلیج پارس پس از سلام و تحیت...

۱. افشار (سیستانی)، ایرج. نام دریای پارس و دریای مازندران و بندر ها و جزیره های ایرانی، ص ۶۱

این سند، که در محرم ۱۳۸۱ هـ. ق/ ۱۹ ژوئن ۱۹۶۱ م، توسط عبدالله السالم الصباح امضاء شده است، طبق اصل ۱۰۲ منشور سازمان ملل متحد، در دبیر خانه ی سازمان ملل به ثبت رسیده و در ارکان سازمان ملل، از جمله دادگاه بین المللی دادگستری، قابل استفاده است. اهمیت چنین اسناد استقلال از نظر بعضی حقوق دانان در ردیف اسناد پدید آورنده ی حقوق بین المللی به شمار می روند.<sup>۱</sup>

عامل دیگری که از لحاظ حقوقی قابل توجه است، پهنه ی آب هایی از خلیج پارس می باشد، که بر پایه ی اصول و موازین حقوق بین الملل، زیر حاکمیت و یا نظارت کشور جمهوری اسلامی ایران است.<sup>۲</sup> به موجب قانون تعیین آب های کرانه ای و منطقه ی نظارت ایران در دریا ها، مصوب ۲۴ تیر ۱۳۱۳ هـ. ش، و قانون اصلاحی آن مصوب ۲۲ فروردین ۱۳۳۸ هـ. ش، حد حاکمیت ایران بر دریای سرزمینی، ۱۲ مایل دریایی<sup>۳</sup> در نظر گرفته شده است،<sup>۴</sup> که با توجه به کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲ م/ ۱۳۶۱ هـ.ش) در پیش نویس جدید قانون مناطق دریایی ایران در خلیج پارس و دریای مکران

(دریای عمان) علاوه بر دریای سرزمینی، ۱۲ مایل نیز جهت منطقه ی نظارت در نظر گرفته شده است، که با توجه به جزیره های متعلق به ایران، که این دو منطقه شامل آن ها نیز می شود، می توان گفت که بخش بزرگ آب های خلیج پارس در حاکمیت و نظارت کشور ایران است.

در کنفرانس یکنواخت کردن نام های جغرافیایی، که به ابتکار سازمان ملل متحد، در ۱۹۶۷ م/ ۱۳۴۶ هـ. ش، در ژنو تشکیل شد و ۵۴ عضو سازمان ملل در آن شرکت داشتند، بررسی هایی در جهت از بین بردن پراکندگی نام های جغرافیایی به عمل آمد. در این کنفرانس، کشور های عربی شرکت کننده، تصویب قطعنامه ای را خواستار شدند، که به موجب آن، می بایستی اسرائیل به دلیل تلاشی که برای تغییر نام خلیج عقبه به عمل آورده بود، تقبیح شود.

یادداشت ها و نامه های دیپلماتیک نیز از دیگر دلایل حقوقی است که زبان رسمی دیپلماسی دو جانبه در حقوق بین الملل به شمار می رود و خود مبین اندیشه و نحوه ی عمل کشور هاست.

با توجه به اصل حقوقی، پرونده های سیاسی همه ی کشورهای جهان، از جمله کشورهای عربی، که پُر از یادداشت ها و نامه های دیپلماتیک است، و در همه ی آنها دریای جنوب ایران به نام خلیج پارس نامیده شده است، دلیل استوار دیگری بر درستی نام خلیج پارس است.

۱. بختیاری اصل، فریبرز. خلیج همیشه فارس، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسایل خلیج فارس، ص ۱۴۸
۲. افشار(سیستانی)، همان کتاب، ص ۶۱
۳. حدود ۲۲/۲ کیلومتر
۴. کاظمی، سید علی اصغر. ابعاد حقوقی حاکمیت ایران در خلیج فارس، ص ۱۵۰

بنابراین می توان گفت، که هیچ اصل حقوقی وجود ندارد، که اقدام کشور یا کشور هایی را که به میل خود نام های تاریخی را تغییر می دهند، توجیه کند، و در نبود اصل ها و رویه های قضایی، هرگونه اقدامی برای تغییر نام خلیج پارس دگرگون کردن درستی ها شمرده شده و از لحاظ حقوقی پدید آورنده ی مسؤلیت خواهد بود.<sup>۱</sup>

### ۳- سازمان ملل متحد

دبیر خانه سازمان ملل متحد، طی یادداشت شماره، AD311/1GEN مارس ۱۹۷۱ م/ ۱۳۵۰ ه.ش، در پاسخ به یادداشت ۲۳ فوریه ۱۹۷۱ م/ ۱۳۵۰ ه.ش، ایران، نوشت:

« عرف جاری در دبیر خانه ی سازمان ملل متحد بر این است، که در اسناد و نقشه های جغرافیایی، منطقه ی آبی بین ایران از سوی شمال و خاور و شماری از کشورهای عربی از سوی جنوب و باختر به نام خلیج پارس نامیده شود.... و این عمل در دبیرخانه سازمان ملل متحد موافق و برابر با یک عرف قدیمی انتشار اطلس ها و فرهنگ های جغرافیایی می باشد.»

### ۱. بختیاری اصل، همان منبع، ص ۱۵۰

بر پایه ی این یادداشت ها و روش سازمان ملل متحد، هرگاه در این سازمان، از نام ساختگی و نادرست به جای نام خلیج پارس استفاده می شده، نمایندگی دایمی ایران تذکراتی به دبیر خانه ی سازمان ملل متحد می داده است.

دبیر خانه ی سازمان ملل متحد در پاسخ به نامه های جمهوری اسلامی ایران درباره ی به کار بردن نام درست و تاریخی خلیج پارس، طی یادداشت شماره (LA45.8.2(C)، دهم اوت ۱۹۸۴ م/ ۱۳۶۳ ه.ش، اعلام کرده است:

« دبیرخانه مایل به تکرار و تأیید موضوع است که رویه ی متعارف این بوده که در اسناد و انتشارات دبیرخانه این کاربرد را که از دیر باز معمول بوده رعایت کرده است و چون لازم است، که در اسناد سازمان ملل در اشاره به موضوعات جغرافیایی نوعی هم آهنگی و یکنواختی وجود داشته باشد، لذا دبیر خانه معتقد بوده است، که بایستی اصطلاح خلیج پارس در اسناد، نقشه ها، و.... که توسط این دبیرخانه و با مسؤلیت آن تهیه می شود به کار رود و بدین ترتیب از مقبول ترین کاربرد تاریخی آن، استفاده کند.»<sup>۱</sup>

در پی استفاده سازمان ملل متحد از نام ساختگی خلیج برای خلیج پارس ، در خرداد ۱۳۷۰ هـ.ش، در یکی از اسناد آن سازمان، نمایندگی دایم ایران، در نامه ای که برای خاویز پرزدکونیار، دبیر کل سازمان ملل متحد فرستاد، یادآور شد در نقشه ای که پیوست گزارش نماینده ی دبیر کل درباره ی خسارت وارده به کویت در دوره ی اشغال این شیخ نشین توسط عراق ، از خلیج پارس به نام ساختگی یاد گردیده است، که به هیچ عنوان برای ایران قابل قبول نیست. وی خواستار درست کردن این سند و انتشار دوباره ی آن شد.

۱. همان منبع ، ص ۱۵۱

اوجینیو وایزور ، معاون دبیر کل سازمان ملل متحد در امور ویژه و خدمات کنفرانس ها، در پاسخی که به نامه ی نماینده ی دایم ایران داده ، ضمن پوزش از این اشتباه سهوی، افزوده است:  
« بنا به درخواست شما، این سند اصلاح و امروز (چهارشنبه، ۵ تیر ماه ۱۳۷۰ هـ.ش/۲۶ ژوئن ۱۹۹۱ م) در سازمان ملل متحد منتشر شد.»<sup>۱</sup>

در نیمه ی نخست بهمن ۱۳۷۰ هـ.ش، سر ویراستار سازمان ملل متحد با اشاره به این اعتراض های پیاپی هیأت نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد ، به استفاده از نام ساختگی خلیج به جای خلیج پارس در اسناد این سازمان ، که عنایت به آب های خلیج پارس و یا کشورها و منطقه ی پیرامون خلیج پارس داشته، از کارکنان سازمان ملل متحد خواسته است اعتراض ایران را همیشه در نظر داشته باشند.<sup>۲</sup>

۱. روزنامه کیهان، شماره ۱۴۲۱۹، ۶ تیر ماه ۱۳۷۰ هـ.ش، ص ۳

۲. همان روزنامه ، شماره ۱۴۴۰۰، ۱۴ بهمن ۱۳۷۰ هـ.ش، ص ۲۰

کتاب نام خلیج فارس ، ایرج افشار سیستانی ، مرکز مطالعات وزارت امور خارجه